

تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۲۳

### ریاست محترم شعبه ۵ دادگاه سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

احتراما: در خصوص پرونده شماره ۷۹ / ۱۳۰ / ۴۵ / ۷ نواقصی مشاهده می‌شود که چون در تصمیم آتی دادگاه موثر خواهد بود لذا با اعلام آن تقاضا می‌شود، اقدامات و پیگیری‌های قانونی لازم جهت تکمیل پرونده اتخاذ فرمائید.

- ۱) رسیدگی به این پرونده باید در محاکم عمومی دادگستری صورت گیرد نه در سازمان قضائی نیروهای مسلح و لذا به صلاحیت ذاتی دادگاه ایراد وارد است.
- ۲) با توجه به برگشماری‌هایی که انجام شده و با عنایت به محتویات پرونده و مضامین بازجویی‌ها بنظر می‌رسد اوراقی کسر شده است. از جمله حتی یک صفحه از بازجویی‌های سعید اسلامی در پرونده وجود ندارد. یا آن که نحوه کشف جرم و شناسایی قاتلین مشخص نیست و مهم‌تر از همه آن که عکس‌هایی که از صحنه قتل و اجساد شادروانان داریوش و پروانه گرفته شده در پرونده نیست. بدیهی است بدون تکمیل پرونده اجرای عدالت امری محال است.
- ۳) در خصوص امر یا امرین قتل‌ها به میزان کافی تحقیق و بازجویی نشده و پرونده از این جهت ناقص است زیرا درحالی که برخی از متهمین از افرادی به عنوان امر در مقام وزارت نام می‌برند بایستی در مورد رسیدگی به صحت یا سقم ادعای آنان دقت بیشتری مبذول گردد تا حقیقت معلوم شود.
- ۴) برخی از متهمین اظهار می‌دارند که در مراحل اولیه دستگیر شده‌اند اما به دستور مقامات قضائی با نام دیگری از آنان بازجویی شده است. از جمله محمود حقوردی معروف به جعفرزاده در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۷ در صفحه ۱۲۳۸ پرونده اعلام داشته: «لازم به ذکر است در مورخه ۷۷/۱۰/۱۳ برای بازجویی به حضور آقای نیازی رفتم که ایشان خودشان به من گفتند که با نام دیگری برگه را پر کنید و کفیل من نیز آقای سید حسن موسوی بوده‌اند». محمد حسین مرادی معروف به اثنی عشر در بازجویی مورخ ۷۹/۳/۴ در صفحه ۱۲۸۰ پرونده می‌گوید: «در تاریخ ۷۷/۱۰/۱۳ با هماهنگی آقای نیازی خودم را به نام محمد توکلی فرزند علی معرفی کردم که در همان تاریخ یکی از همکاران به نام سید سعید موسوی فرزند رضا را به عنوان کفیل خودم معرفی کردم که مبلغ یک صد میلیون ریال بابت قرار قبولی کفالت امضا کرده است» و جالب تر آنکه در صفحه ۸۵۷ پرونده، فردی به نام محمد توکلی اقرار به قتل مرحوم فروهرها دارد و در قرار بازپرس و کیفرخواست صادره نامی از محمد توکلی نیست. همچنین علی صفائی در بازجویی مورخ ۷۹/۳/۴ در صفحه ۱۲۸۲ پرونده اظهار داشته: «در تاریخ ۷۷/۱۰/۱۳ آقای نیازی با اسم مستعار محمد حسینی فرزند جواد قرار تامین برای اینجانب با اخذ کفیل به وجه‌الکفاله یکصد میلیون ریال صادر و آقای سید سعید موسوی به عنوان کفیل اینجانب کفالت دادند». در صفحه ۸۵۸ پرونده شخصی به نام محمد حسینی اقرار به شرکت در قتل مرحوم فروهرها دارد. مشابه چنین ادعائی از ناحیه مرتضی عباسی در صفحه ۱۲۸۸ و مصطفی قربانزاده در صفحه ۱۲۹۲ نیز صورت گرفته است.
- در مورد صحت و سقم این ادعا بایستی از متهمان مذکور تحقیق به عمل آید تا مشخص شود اگر دروغ می‌گویند انگیزه و هدف آنان از بیان مطالب خلاف واقع چیست و اگر ادعای آنان صحت دارد، علت چنین امری چه می‌باشد؟
- ۵) در صفحه ۱۱۱۰ پرونده، مهرداد عالیخانی (متهم ردیف ۲) عنوان می‌کند که: «یادداشت‌های آقای دری نجف‌آبادی از جلسه ۱۳۷۷/۸/۲۲، پس از دستگیری تقدیم آقای نیازی شده که ضمیمه پرونده است.» چنین یادداشتی در پرونده مشاهده نشد و تحقیق در مورد صحت و سقم این ادعا و این که یادداشت مذکور اگر تحویل شده باشد، اکنون در کجا است ضرورت دارد.
- ۶) پرونده حاضر و کیفرخواست صادره منحصر است به چهار مورد قتل داریوش فروهر و پروانه اسکندری و محمد مختاری و محمد جعفر پوینده. به نظر می‌رسد دامنه فعالیت‌های غیر قانونی متهمان فراتر از چهار قتل پائیز ۱۳۷۷ باشد، زیرا:  
الف- اصغر اسکندری معروف به سیاحی در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۵ در صفحه ۱۳۰۵ اعلام نموده است: «نکته دیگر آن‌که این نمونه اقدامات، روال کار تشکیلات وزارت بوده و در نتیجه اقدامات مذکور بار اول اینجانب نیز نبوده. ما از چندین سال قبل از حذف‌های مرسوم به قتل‌های زنجیره‌ای ما با آن مانوس بوده‌ایم تا حدی که در پیشبینی برنامه‌های سالانه، شاخص‌ترین فعالیت‌ها، حذف و ربایش در نظر گرفته می‌شد و این امر هنوز به صورت مکتوب در اسناد تشکیلات باقی است».

ب- علی احمدی معروف به ناظری در صفحه ۱۲۹۹ می‌گوید: «سال‌ها این گونه اقدامات انجام شده و سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی این گونه شگردها را دارند»، «حقیر با هماهنگی و دستور آقای موسوی کار را انجام داده‌ام و این عرف و شکل قانونی داشته و در وزارت عرف بوده است و هیچ مانعی در عمل ایجاد نمی‌کرد».

ج- مرتضی خازنی در صفحه ۱۲۶۳ پرونده در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۰ می‌گوید: «امور حذفی نیز حسب سابقه تاریخی در امنیت با آقای موسوی بود که اتفاقاً برای دو مورد مختاری و پوینده، موسوی طی مذاکرات دو یا سه دقیقه‌ای مطرح نمود که کار شروع شده و هیچ مشکلی نیست. همچنین نامبرده در صفحه ۱۲۶۴ در ادامه بازجویی خود عنوان می‌سازد که: «طبق روال و دستوری که از قبل وجود داشته و ماموریتی که آقای ناظری داشته و در راستای کار اداری، حذف نامبردگان صورت گرفته است».

د- مصطفی نوروزی معروف به محسنی حتی پا را فراتر گذاشته و در بازجویی مورخ ۱۳۷۹/۳/۷ در صفحه ۱۲۳۱ اظهار می‌دارد: «ابتدا باید عرض کنم کار حذف فیزیکی و دیگر کارهای از این قبیل کار دستگیری، انتقال متهم، آموزش دفاعی و جسمانی و مراقبت ثابت و غیره از سال ۱۳۷۰ در پرینت کاری که از طرف وزارت برای ما مشخص شده بود و این کارها جزء وظایف ما بود»، «و کلاً این نوع کارها در وزارت زیاد انجام می‌شد چه در داخل و چه در خارج و تنها این مورد بود که به این صورت درآمد».

نظایر چنین اقراریری در پرونده بیش از آن است که لازم باشد با ذکر جزئیات ریاست محترم دادگاه را قانع سازم که بیش از این‌ها باید در ریشه‌یابی چنین اعمالی و رسیدگی به اعمال خلاف قانون توجه شود. لذا در این قسمت خواهان اعاده پرونده به دادرسی هستم تا تحقیق شود که تاریخ شروع اعمال غیرقانونی در وزارت اطلاعات از چه زمانی بوده و آمرین آن چه افرادی هستند.

(۷) به نظر نمی‌رسد تحقیقات انجام شده کافی و دانی به مقصود باشند، زیرا در حالتی که قاتلین شادروانان داریوش فروهر و پروانه اسکندری اقرار می‌نمایند که آنان را پس از بیهوش کردن توسط ضربات چاقو به قتل رسانده‌اند و ضمن آن که در برگ معاینه جسد آن دو شادروان قید شده قتل بوسیله ضربات چاقو صورت گرفته است، اما در جلد اول پرونده در صفحه ۲۴۶ در تاریخ ۷۷/۹/۱۳ در مورد سرنگی که در منزل فروهر به دست آمده، مدیر کل اداره تشخیص هویت اعلام داشته است که «سرنگ ارسالی دارای مقدار جزئی خون بود که با استخراج و آزمایش DNA می‌توان اعلام نمود که به احتمال ۹۹٪ متعلق به آقای فروهر می‌باشد. محتویات داخل سرنگ از لحاظ وجود سم مورد بررسی و آزمایش قرار گرفت و به نظر می‌رسد دارای سم گیاهی با نام تجارتی روستیس می‌باشد. همچنین پیراهن خونی سفید رنگی از منزل فروهر به دست آمده که در صفحه ۵۹۳ پرونده عنوان شده است که لکه‌های خون متعلق به فروهر و همسرش نیست. اما مشخص نگردیده خون متعلق به قاتل یا قاتلین است یا خیر و تحقیقات از این جهت ناقص است. با این ترتیب بنظر می‌رسد متهمان در اقرار خود صادق نبوده‌اند، خصوصاً آن که نحوه ورود به منزل مرحوم فروهر با ساختار معماری منزل همخوانی ندارد و این مطلب سال قبل توسط خانم پرستو فروهر به جناب آقای فراتی تذکر داده شد و ایشان هم مراتب عدم انطباق اظهارات متهمان را با ساختار معماری منزل تأیید و تصدیق نمودند. با عنایت به مراتب فوق و نظر به این‌که اقرار در امر کیفری طریقت دارد نه موضوعیت، بنابراین اقرار متهمان به تنهایی کاشف از حقایق نیست و بایستی با قرائن دیگری توأم شده تا ایقان قلبی برای صحت آن اقرار ایجاد شود و لذا با اعلام مراتب فوق خواهشمند است مجدداً از متهمین به قتل مرحوم داریوش فروهر و همسرش بازجویی شود و دستور فرمائید هنگام تحقیق مجدد از آنان، اولیاد یا وکلای آنان حضور داشته و سئوالات لازم را طرح نمایند تا حقایق بیشتر آشکار شود.

(۸) در پرونده قید شده است که یکی از کارمندان وزارت اطلاعات به نام رحیم محمدی مسئول حزب ملت ایران بوده است و به نظر می‌رسد باید اطلاعات مهمی در مورد چگونگی برخورد با حزب ملت ایران و رهبران آن داشته باشد. لذا مستدعی است دستور فرمائید از نامبرده نیز در خصوص چگونگی به قتل رساندن مرحوم فروهر و همسرش و این که آمرین و عاملین آن قتل‌ها چه افرادی هستند تحقیق شود.

(۹) متهمان به قتل مرحوم داریوش فروهر، همگی عنوان می‌کنند با نام جعلی مامورین آگاهی جهت تحقیق در مورد سرقتی که توسط رونوی متعلق به فروهر، صورت گرفته است به منزل وی رفته‌اند و در قرار مجرمیت بازپرس محترم در صفحه ۱۳۳۰ پرونده قید شده است که: «ضمناً یک برگ حکم جعلی مبنی بر دستگیری فروهر و بازرسی منزل وی از سوی صادق تهیه و به عزیزپور داده می‌شود» و حال آن‌که:

الف- رونوی سفید رنگ مدل ۱۳۷۲ با شماره سری ج ۵۷۴۸۳۵ که مورد استفاده مرحوم فروهر و همسرش بوده، طبق فتوکپی تقدیمی متعلق است به خانم فرخنده پی مجد اسکندری (خواهر مرحوم پروانه اسکندری) و بنابراین برخلاف اظهارات متهمان، از روی شماره ماشین آنها نمی‌توانستند پی به نام مالک خودرو و نشانی سکونت وی ببرند.

ب- مرحوم داریوش فروهر حقوقدان و وکیل دادگستری بود و سال‌های مدیدی فعالیت سیاسی می‌کرد بنابراین چنین فردی به راحتی می‌توانسته تشخیص دهد که ساعت ۳۰:۲۲ از طرف اداره آگاهی برای تحقیق در مورد سرقتی که انجام شده به منزل وی مراجعه خواهند کرد و خصوصاً آن که اساساً خودروی مذکور متعلق به او نبوده و به راحتی

می‌توانستند آنها را از سرباز کند و پاسخ دهد که قانوناً موضوع به وی ارتباطی ندارد زیرا خودرو متعلق به او یا همسرش نمی‌باشد.

۱۰) متهمان به مباشرت و معاونت در قتل مرحوم داریوش فروهر و پروانه اسکندری، همگی با قید کفالت آزاد هستند و جالب‌تر آن که کفیل برخی از آنان، کارمندان شاغل در وزارت اطلاعات هستند. این امر نشان می‌دهد که هنوز افرادی در وزارت اطلاعات وجود دارند که متهمان را افراد صالحی می‌دانند و حاضر هستند کفالت آنها را قبول کنند. این امر مورد تصدیق بازپرس محترم پرونده نیز قرار گرفته تا حدی که در قرار مجرمیت صادره در قسمت آخر شرح حال سعید اسلامی چنین عنوان می‌کند: «در هر حال این عنصر خطرناک با کمک همفکران خود که متأسفانه هم اکنون در وزارت اطلاعات مشغول به کار هستند دست به اقداماتی زده که موجب هتک حرمت از نظام گردید». بنابراین در این قسمت:

اولاً- ضروری است قبل از تکرار فجایع گذشته، دقت بیشتری در گزینش کارمندان وزارت اطلاعات به عمل آید و از ریاست محترم دادگاه خواهان اعلام مراتب فوق به وزیر محترم اطلاعات هستم.

ثانیاً- چون در صورت ثبوت اتهام، مجازات‌های سنگینی قانوناً در انتظار متهمان است لذا کفالت قرار تأمین مناسبی برای متهمان نبوده و تقاضای تشدید قرار تأمین متهمان را دارم.

۱۱) اینجانب طبق وکالتنامه‌ای که قبلاً هم تقدیم شده و ضمیمه پرونده می‌باشد و هم اکنون نیز کپی مجدد آن تقدیم می‌گردد،

وکیل مادر شادروان مجید شریف هستم و در پرونده چندین مرتبه به نام وی و این که توسط تیم عملیاتی وزارت اطلاعات به قتل رسیده اشاره شده است و قید گردیده که متهمین ردیف یک و دو در جریان قتل وی بوده‌اند لذا باتوجه به مراتب فوق و با عنایت به مطالبی که در بند ۶ این لایحه آمده است، استدعا دارم نسبت به شیوه به قتل رساندن مرحوم مجید شریف و آمرین و عاملین آن نیز تحقیقات لازمه معمول گردد.

با تقدیم احترام - شیرین عبادی